

ملاقات نمودند. در همین سفر بود که استاد شهید از سوی امام علیه السلام مسؤول تشکیل شورای انقلاب اسلامی گردیدند.

هنگامی که هواپیمای حامل امام خمینی علیه السلام در فرودگاه تهران به زمین نشست، حضرت امام علیه السلام قبل از پیاده شدن از هواپیما، استاد مطهری را خواستند و پس از آن که کاملاً از اوضاع و احوال کشور باخبر شدند و در جریان برنامه‌ها قرار گرفتند، از هواپیما پیاده شدند که این نشانه اعتماد فراوان ایشان به استاد بود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز استاد مطهری همچون گذشته مشاور و دلسوز و مورد اعتماد برای حضرت امام علیه السلام بودند و به طور تمام وقت در مدرسه علوی در کنار ایشان حضور داشتند و در انتصاب‌ها و غیره اظهار نظر می‌کردند. از جمله انتصاب مسؤول کمیته انقلاب اسلامی به پیشنهاد ایشان انجام شد. و نیز استاد در تأسیس سپاه پاسداران اسلامی نقش اساسی داشتند.

□ شهادت

استاد مطهری در روز سه شنبه ۱۱ اردیبهشت ۱۳۵۸ شمسی، ساعت ده و بیست دقیقه شب توسط گروه نادان و جنایتکار فرقان با اصابت گلوله به سر ایشان به فیض شهادت نائل آمدند و رهبر و مردم در مامی عظیم فرو رفتند و پیکر پاک ایشان در حرم حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

□ استاد شهید از نگاه بزرگان

امام خمینی علیه السلام: «مرحوم آقای مطهری یک فرد بود، جنبه‌های مختلف در او جمع شده بود، و خدمتی که به نسل جوان و دیگران مرحوم مطهری کرده است، کمتر کسی کرده است. آثاری که از او هست، بی‌استثناء همه آثارش خوب است و من کس دیگری را سراغ ندارم که بتوانم بگویم بی‌استثناء آثارش خوب است. انسان ساز است، برای کشور خدمت کرده، در آن حال خفقان خدمت‌های بزرگ کرده است این مرد عالی قدر. خداوند به حق رسول اکرم صلی الله علیه و آله او را با رسول اکرم صلی الله علیه و آله محصور بفرماید.»

حضرت آیه الله خامنه‌ای: «... مسأله عالم متفکر فیلسوف یگانه ما مرحوم آیت الله مطهری، مسأله یک یاد خشک و خالی نیست که یک کسی زحمت می‌کشد و شهید می‌شود و ما لازم است از او یاد کنیم و شکرانه زحمات او را بداریم، بلکه مسأله، مسأله یک جریان فکری است در جامعه ما، که هر چه می‌گذرد برجستگی بیش تری پیدا می‌کند. در زمان حیات آن شهید، کسانی که او را می‌شناختند زیاد نبودند و کسانی که به عمق برجستگی و نورانیت فکری او آشنا بودند باز هم کم تر بودند. اما امروز در محیط ذهنی انقلاب، جریان فکری

شهید مطهری یک جریان ممتازی است.»

□ استاد شهید از نگاه فرزند

دکتر علی مطهری: «ویژگی خاص رفتاری استاد شهید، خلوص و برای خداکار کردن بود و به همین جهت، نام و آثار ایشان برای همیشه زنده است و خداوند اعمال ایشان را ضایع نمی‌کند. استاد شهید از تعینات آزاد بود. در حالی که از نظر تحصیلات حوزوی در مظان مرجعیت و در دانشگاه یک استاد برجسته بود، هیچ تعینی در او نمی‌دید. راحت سخن می‌گفت و در مجالس خصوصی مزاح و نکته پرداز بود. راحت راه می‌رفت و راحت لباس می‌پوشید و به طور خلاصه، سبکبال بود و از قید تعینات آزاد. گاه سوار اتوبوس شرکت واحد می‌شد و کسانی که ایشان را می‌شناختند تعجب می‌کردند. اما در عین این که ساده زیست و بی‌تعین بود، دارای هیبت بود و این هیبت نبود مگر هیبت تقوا، چنان که مولایش امیرالمؤمنین علی علیه السلام توسط دوستانش چنین توصیف شده است که با ما بسیار خودمانی و بی‌تکلف و مزاح بود. اما در عین حال، ما هیبتی از او در دل داشتیم و این هیبت همان هیبت تقوا بود.

رفتار ایشان با همسرشان بسیار محبت آمیز و توأم با احترام بود. اگر همسرشان به مسافرت می‌رفتند، هنگام بازگشت ایشان، به ما فرزندان توصیه می‌کردند به استقبالشان برویم و چای و میوه آماده کنیم. رفتارشان با ما فرزندان به گونه‌ای بود که در مورد هیچ کاری زور و اجبار به کار نمی‌بردند بلکه می‌خواستند خودمان به درستی یا نادرستی یک کار برسیم. در مورد انجام فرایض بر ما نظارت داشتند و بر نماز اول وقت و با وضو بودن تأکید داشتند.»

جوان و جستجوچی هویت

سید صادق سیدنژاد

اطرافیان‌اش خود را با محیط انطباق می‌داد و یا همین طور در اوایل دوره نوجوانی به وسیله شبیه ساختن خود با هم سن و سالان و اعضای گروه‌هایی که با آنها در ارتباط بود، به زندگیش نظام خاصی بخشیده بود، اینک در مرحله ورود به دوره بزرگسالی نه تنها به آن‌گونه از زندگی تمایلی ندارد بلکه تلاش می‌کند از این به بعد از هر جهت مستقل باشد. زیرا لازمه مستقل

زندگی انسان از سایر حیوانات، رشد و تعالی فرهنگ و پیشرفت و ترقی همه جانبه جامعه‌های انسانی را در پی دارد. از این رهگذر، زمینه سعادت واقعی یا بدبختی و سقوط اخلاقی بشریت تحقق پیدا می‌کند. بر این اساس، یکی از نیازهای روانی مهمی که در دوره جوانی شکوفا می‌شود، نیاز به برخورداری از «هویت» است. فرد اگر در دوره کودکی از طریق تقلید و تبعیت از رفتارهای

در میان همه دوره‌های زندگی انسان، دوره جوانی در روند تحقق کمال حقیقی و شخصیت واقعی او بسیار مهم و سرنوشت‌ساز است. در این دوره از زندگی، تغییر و تحولات سریع و در عین حال، مؤثری به وقوع می‌پیوندد. که چگونگی برخورد با این دگرگونی‌ها، مسیر آینده فرد را مشخص می‌سازد. از جمله این تحولات بروز و ظهور یک سلسله نیازهای جدید است که ارضای درست و به موقع آن‌ها، علاوه بر متمایز ساختن نوع



عمل کردن، برخورداری از یک طرح منسجم فکری و اعتقادی است که به کمک آن بتواند تصمیم مناسب را در هر لحظه‌ای که ضرورت آن را احساس کرد اتخاذ نماید. از این رو، در پایان دوره نوجوانی و آغاز دوران جوانی مهم‌ترین دغدغه و دل‌مشغولی او دست‌یابی به «هویت» است تا بداند که چیست و کیست؟ و چه وظیفه‌ای بر عهده اوست؟ و چگونه می‌تواند بین خود و سایر افراد جامعه ارتباط مناسب برقرار کند؟ ... توانمندی پاسخ‌گویی به این‌گونه پرسش‌های اساسی، جز از طریق تحقق بخشیدن به هویت انسانی فرد میسر نیست.

معنا و مفهوم هویت

در کتاب‌های لغت برای واژه هویت معنای زیادی ذکر می‌کنند که از جمله آن‌هاست:

- هستی، وجود، آنچه سبب شناسایی شخص باشد؛^(۱)

- حقیقت شیء یا شخص که مشتمل بر صفات جوهری او باشد، ذات، شخصیت و ...^(۲)

- در لغت‌نامه دهخدا، هویت به معنای تشخیص دانسته شده است و مؤلف تصریح می‌کند که همین معنی در میان حکیمان و متکلمان مشهور است.^(۳)

لازم به ذکر است که معانی اصطلاحی خاصی که صاحب‌نظران تعلیم و تربیت و روان‌شناسی و جامعه‌شناسی و ... بر این واژه ذکر کرده‌اند تا حدود زیادی با معانی لغو آن همخوانی دارد.

اریک اریکسون، در تبیین مفهوم هویتی که نوجوان همواره در پی آن است چنین می‌نویسد: هویتی که نوجوان در صدد است تا به طور روشن به آن دست یابد این است که او بداند کیست؟ و نقشی که باید در جامعه ایفا کند چیست؟^(۴)

یکی دیگر از

اندیشمندان روان‌شناس در این باره

می‌گوید: هویت میان خود و دیگران توازن برقرار کردن؛^(۵)

اریک فروم جامعه‌شناس و روان‌کاوالمانی در توضیح نیاز انسان به هویت می‌نویسد: ... هر فرد آدمی مایل است که هویت خاصی داشته باشد از این رو، می‌کوشد که خویش را دریابد و بشناسد ... در عین حال، می‌کوشد تا فرد ممتازی باشد ...^(۶)

از بررسی و تحلیل مجموعه دیدگاه‌های موجود در این باره می‌توان چنین نتیجه گرفت: هویت آن بخشی از عناصر اصلی شخصیت انسان است که به دنبال عینیت پیدا کردن آن، فرد قادر می‌شود که موضع خود را در برخورد با جهان و دیگران و خویش به صورت شایسته مشخص نماید. منتهی این توانمندی پاسخ‌گویی به مسائل در دوره‌های مختلف

زندگی به دلیل تفاوت‌های سنی و میزان علم و آگاهی و استعداد و رشد فکری و تجربه با فرق دارد. عمده آن است که فرد به گونه‌ای پرورش یابد که در مرحله نخست بتواند به وظایف و مسؤولیت‌هایی که بر عهده اوست عمل کند لذا در تعریف عملیاتی هویت گفته می‌شود: اگر فرد برای پرسش‌هایی چون پاسخ‌ها مطمئن و قانع‌کننده‌ای داشته باشد معلوم می‌شود هویت واقعی خویش را به دست آورده است.

- جایگاه و منزلت و مرتب او دقیقاً چیست؟

- چه پیوندها و رشته‌ها و ارتباط‌هایی او را به خود و جهان خارج از خود مرتبط می‌سازد؟

- درک کند که چه نقش‌ها، وظایف و

مسؤولیت‌هایی در قبال خود و دیگران بر عهده دارد؟

- چه توقعاتی باید از خود و دیگران در برخورد با مسائل باید داشته باشد؟^(۷)

- نسبت او به گذشته و حال و آینده چیست؟ و ...

اسلام و هویت انسان

در فرهنگ اسلامی در زمینه ضرورت شناخت هویت انسانی و اهمیت پاسداشت آن و آثار زیان بخش به فراموشی سپرده شدن هویت واقعی انسان و نیز علل آن و ... مطالب زیادی مطرح شده است. به یک اعتبار می‌توان گفت: مجموعه مباحثی که تحت عناوینی چون: معرفت نفس خدایابی، خودشناسی، خوددایبی، خودسازی و خودزیانی و از خودبیگانگی و ... ارائه می‌شوند، همگی به گونه‌ای و از بعدی به مسأله هویت‌شناسی انسان ارتباط پیدا می‌کنند. به عبارت دیگر هدف مجموعه آموزه‌های دینی از یک نظر این است که ضمن

ارائه

تصویر

واقعی از

حقیقت هویت

انسانی، راه‌های

دست‌یابی

و حفظ و حراست از آن را به بشر نشان دهد.

توضیح آن‌که، اساسی‌ترین موضوع در هویت‌یابی خودشناسی است؛ یعنی اگر پذیرفتیم که نخستین و در عین حال، مهم‌ترین سؤال انسان در زندگی این است که من کیستم؟ و در نظام هستی چه مسؤولیتی را برعهده دارم؟ و پذیرفتیم که هویت انسانی عبارت از حقیقت شخص که مشتمل است بر همه صفات جوهری او و نیز پذیرفتیم که در روند خودشناسی تلاش می‌گردد که ویژگی‌های اختصاصی و صفات جوهری انسان شناخته شود. از این‌جا معلوم می‌شود که تنها از طریق خودشناسی زمینه دست‌یابی به هویت انسان فراهم می‌گردد. و درست به همین دلیل است که در نظام تربیتی اسلام هیچ موضوعی به اندازه خودشناسی مورد توجه واقع نشده است.

علی‌السلام سودمندترین معارف را معرفت نفس معرفی کرده‌اند.^(۸) و تأکید می‌نمایند کسی که خود را نشناسد از راه رستگاری و نجات گمراه‌ها دور گشته، به وادی جهل و ضلالت کشیده می‌شود.^(۹) و پیامبر اکرم^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم} تصریح می‌کنند: هر کس به خودشناسی موفق شود در حقیقت به خداشناسی دست یافته است.^(۱۰) و باز امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب^{علیه‌السلام} می‌فرماید: در شگفت‌آم از کسی که تمام گمشده‌های خود را جست‌وجو می‌کند اما نفس و حقیقت خود را گم کرده است ولی به دنبالش نمی‌گردد؟^(۱۱) و قرآن کریم همواره این هشدار را به انسان می‌دهد که همانند کسانی نباشید که خدا را فراموش کردند، خدا هم به سزای این عمل آنان خودشان و هویت واقعی انسانی‌شان را از یادشان برد.^(۱۲)

البته، توجه به این نکته نیز ضروری است که مراد از خودشناسی، خودشناسی شناسنامه‌ای نیست بلکه منظور آن است که انسان منزلت و جایگاه واقعی خودش را در جهان آفرینش دریابد و متوجه این حقیقت باشد که او یک حیوان خاکی در ردیف سایر حیوانات نیست که همواره مشغول خور و خواب و ارضا شهوات باشد بلکه پرتوی است از روح الهی و از چنان ارزشی برخوردار است که صلاحیت دست‌یابی به منزلت خلیفه الهی را دارد. موجودی است ملکوتی که آگاه و مختار آفریده شده است تا به اختیار خود مراتب کمال بی‌نهایت را یکی پس از دیگری ببیماید تا در نهایت به منزلت قرب الهی نائل شود.

رسالت همه انبیا و اولیای الهی در طول تاریخ این بوده است تا از طریق بیدار ساختن فطرت انسان‌ها، آنان را با گوهر گرانباده هویت انسانی‌شان آشنا سازند و راه تحقق بخشیدن به آن را آموزش دهند و از کشیده شدن به مسیرهای انحرافی دیگر که



محمد فولادی

پاسخ منطقی

شخصی خدمت خواجه نصیر طوسی آمد و نوشته‌ای از دیگری تقدیم وی کرد که در آن نوشته، به خواجه بسیار ناسزا و دشنام داده شده بود. وی خواجه را کلب (سگ) بن کلب خوانده بود. خواجه در برابر ناسزاها وی با زبان ملاطفت آمیزی این گونه پاسخ گفت: این که او مرا سگ خوانده است، درست نیست؛ زیرا سگ از جمله چهارپایان است و عوعو می‌کند، پوستش پوشیده از پشم است و ناخن‌های دراز دارد. این خصوصیات در من نیست، قامت من راست است و تم بی‌پشم و ناخنم پهن است و ناطق و خندانم و... (۳)

در محضر بزرگان

روزی شیخ جعفر کاشف الغطا مغلی پول بین فقرای اصفهان تقسیم کرد. سپس به نماز جماعت ایستاد. بین دو نماز، سید فقیر و بی‌ادبی به نزد وی آمد و گفت: ای شیخ مال جدم (خمس) را به من بده، شیخ فرمود: قدری دیر آمدی، متأسفانه چیزی باقی نمانده است. سید بی‌ادب با کمال جسارت آب دهان روی محاسن شیخ انداخت. پیش‌نماز نه تنها هیچ عکس‌العمل خشونت آمیزی از خود نشان نداد که برخاست و در حالی که دامن خود را گرفته بود در میان صفوف نمازگزاران گردش کرد و گفت هر کس ریش شیخ را دوست دارد، به سید کمک کند. مردم که ناظر این صحنه بودند اطاعت نموده و دامن شیخ را پر از پول کردند. سپس همه پول‌ها را آورد و به سید تقدیم کرد و سپس به نماز جماعت ایستاد. (۴)

پی‌نوشت

۱. آ. مجله بگا، شماره ۲۷، بهمن ۸۸، ص ۳۱
۲. بیدارگران تعالیم، ص ۲۱۸
۳. سیمای فرزندان، ص ۳۳۲

تأثیر مدیران خوش‌رفتار و بدرفتار بر کارکنان

یک پژوهش علمی جدید در انگلیس ثابت کرد، کارکردن با مدیران خشن و بدرفتار منجر به بیماری فشار خون در کارکنان می‌شود. در حالی که مدیران مهربان و خوش‌رفتار موجب سلامت کارکنان و افزایش تولید می‌شود. این پژوهشگران می‌گویند: مدیران فاقد محبوبیت و بدرفتار موجب افزایش فشار خون و به دنبال آن، بیماری‌های قلبی در کارکنان خود می‌شوند. ولی مدیران محبوب و مهربان به دلیل اعمال حسن همکاری با کارمندان موجب می‌شوند که تولید افزایش یافته و کار بهتری ارائه شود. محققان این نتایج را با تحقیق بر روی ۲۵ نفر از کارکنان مراکز بهداشت که مدیران مختلفی داشتند به دست آورده‌اند. آنان دریافتند که میانگین فشار خون افرادی که با مدیران محبوب کار می‌کنند، $\frac{75}{113}$ می‌باشد، در حالی که این رقم در خصوص اشخاصی که با مدیران بدرفتاری می‌کنند، $\frac{85}{136}$ است.

این موضوع فقط متوجه سلامت کارکنان نیست بلکه بر مدیران تولید و اقتصاد دولت نیز تأثیرگذار است. (۱)

تأثیر بازی‌های رایانه‌ای بر روی کودکان

کارشناسان علوم بهداشتی لندن نسبت به استفاده افراطی کودکان از بازی‌های رایانه‌ای هشدار دادند، آنان می‌گویند: احتمال دارد که این بازی‌ها موجب رعشه عضلات دست و ساعد بشوند، آنان با مطالعه بر روی کودکان در لندن به این نتیجه رسیدند که در اثر زیاده‌روی در استفاده از بازی‌های رایانه‌ای، دچار درد شدید در کف، میچ و ساعد است و برخی نیز روانه بیمارستان شدند. (۲)

حقیقت انسانی را دچار خسران و ناپودی می‌سازند باز دارند. چرا که در جهان‌بینی الهی اسلام، هیچ ضرری قابل مقایسه با باختن یا از دست دادن هویت انسانی نیست. خداوند متعال در قرآن کریم خطاب به پیامبر اکرم در این باره می‌فرماید: ای پیامبر به مردم بگو زیان‌کاران واقعی کسانی هستند که حقیقت خویش را باخته‌اند ... خسران و ضرر روشن همین است. (۱۳)

وقتی انسان در اثر غرق شدن در ارضای خواهش‌های نفسانی ناخود را خود پنداشت و خود واقعی را به فراموشی سپرد، هویت انسانی او نه تنها گم می‌شود بلکه گاهی به مرحله‌ای می‌رسد که حقیقت او مسخ می‌گردد. به مرحله پست حیوانیت و بلکه پایین‌تر از آن سقوط می‌کند ...

نتیجه آن‌که، حساس‌ترین مرحله زندگی انسان در دست‌یابی به هویت انسانی دوره جوانی است؛ چرا که در این مقطع از زندگی، احساس نیاز به هویت در وجود فرد ظهور پیدا می‌کند و به دنبال آن، مرحله تمایز زندگی واقعی انسان از زندگی حیوانی هر چه بیش‌تر مشخص‌تر می‌گردد و موفقیت و عدم موفقیت در این برهه از حیات نه تنها سرنوشت خود فرد بلکه جامعه را رقم می‌زند. بر این اساس، موفق‌ترین جوامع آن جامعه‌های هستند که شرایط اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی در آن‌ها به گونه‌ای فراهم شده باشد که مرحله شکل‌گیری و تحکیم هویت انسانی قشر جوان آن با موفقیت انجام گیرد. و از وقوع بحران هویت، که مهم‌ترین خطر و تهدید برای قشر جوان و به دنبال آن برای کل جامعه در عصر کنونی است، جلوگیری به عمل آید.

ان‌شاءالله در شماره آینده درباره علل پدید آمدن بحران هویت و آثار و نتایج بسیار خطرناکی که این امر در پی دارد، مطالبی به نحو اختصار تقدیم خوانندگان گرامی خواهد شد تا از این رهگذر اهمیت توجه به مشکلات و نیازهای قشر جوان که اصلی‌ترین سرمایه‌های هر جامعه‌ای محسوب می‌شوند بیش از پیش روشن گردد.

پی‌نوشت

۱. فرهنگ معین، ج ۴، صفحه ۵۲۸
۲. فرهنگ عید، صفحه ۱۲۶۵
۳. لغت‌نامه دهخدا، ج ۱۴، ص ۲۰۸۶۶
۴. دنیای نوجوان، صفحه ۵۵
۵. جوان و بحران هویت، ص ۱۶
۶. نظریه‌های شخصیت، ص ۱۵۱، ۱۵۰
۷. جوان و بحران هویت، صفحه ۱۸ و ۱۷
۸. معرفة النفس افق المعارف، غرر و درمندی، ج ۶، ص ۱۴۸
۹. مؤلف لم يعرف نفسه بعد عن مبین النجاء، شرح غرر و درمندی، ج ۵، ص ۲۲۶
۱۰. مؤلف غرر غرر فقد غرر رثه، مهجة البیضاء، ج ۱، ص ۶۸
۱۱. عجبت لمن نشيد ضالته و فداض نفسه فلا يضها، غرر الحکم و دررالکیم، ج ۴، ص ۳۴
۱۲. ولانکما کالذین نسوا له فانساهم انفسهم، سوره حشر، آیه ۱۹
۱۳. فی ان الخاسرين الذین خسرو انفسهم، سوره زمر، آیه ۱۵